

دوتا ۳۰۸	بررسی کتاب مقدس / ۵۸
	رومیان ۵: ۱۲-۲۱
T = معلم ۱	S = معلم ۲

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. در این مجموعه از بررسیهای کتاب مقدس ، دو معلم ، کار بررسی را از رومیان ۵: ۱۲: ۲۱ انجام خواهند داد. رومیان ۵: ۱-۱۱ تعدادی از برکات عادل شمردگی را بطور خلاصه بر شمرد. رومیان ۵: ۱۲-۲۱ بر "وضعیت قانونی" مسیحیان تأکید می‌ورزد ، یعنی عادل گردیدن آنها در نظر خدا.

(S) قدم اول. بخوانید
به‌خاطر کمبود وقت ، لطفاً رومیان ۵: ۱۲-۲۱ را خودتان بعداً بخوانید.

(T) قدم دوم. کشف کنید
برخی حقایق مهم را از رومیان ۵: ۱۲-۲۱ کشف کنیم و مورد گفتگو قرار دهیم. "کدام حقیقت در این بخش برای شما مهم است؟" یا "کدام حقیقت در این بخش فکر یا دل شما را لمس می‌کند؟" فکر کنید و پاسخ خود را در دفتر یادداشتان بنویسید. پس از چند دقیقه ، به نوبت ، کشفیات خود را با یکدیگر در میان بگذارید.

(S) یک حقیقت مهم برای من در رومیان ۵: ۱۲-۱۹ می‌باشد. "مقایسه انجام شده بین آدم و مسیح" نشان می‌دهد که خدا صرفاً بر اساس خصوصیت‌های فردی انسانها با آنها عمل نمی‌کند ، بلکه بر اساس اتحادی که انسانها یا با آدم دارند یا با مسیح.

ارتباط حیرت‌انگیزی بین سقوط ما در شخص آدم و احیای ما در شخص مسیح وجود دارد. عادل شمردگی تمام ایمانداران به مسیح با سقوط تمام انسانها در شخص آدم است که "توضیح داده می‌شود". همانگونه که ماهیت گناه ، و محکومیت و مرگ انسان که تمام بشریت دچار آنها هستند ، هیچگاه در مفهوم فردی قابل توضیح نیستند ، بلکه تنها بواسطه همبستگی انسان با آدم توضیح‌پذیر می‌باشند ، به همان ترتیب موضوعات عدالت ، عادل شمردگی و حیات ، که تمام مسیحیان در اینها سهیم هستند ، هیچگاه نمی‌توانند بطور کامل در مفهوم فردی و مستقل توضیح داده شوند ، بلکه تنها از طریق همبستگی با مسیح توضیح‌پذیر هستند.

اول. "آیه ۱۲ تنها به توضیح بخش اول این مقایسه می‌پردازد ، یعنی: «همانگونه که ما توسط آدم محکوم شده‌ایم ، به همان ترتیب توسط مسیح عادل می‌گردیم»". همانگونه که گناه آدم ، پیامدهای اجتناب‌ناپذیر محکومیت و مرگ همه انسانها را در پی داشت ، به همان ترتیب بر اساس رومیان ۵: ۱۸-۱۹ ، عدالت مسیح پیامدهای اجتناب‌ناپذیر عادل شمردگی و حیات را برای تمام ایمانداران به مسیح به ارمغان آورد.

دوم. "آیات ۱۳-۱۴ توضیح می‌دهند که همان یک گناه آدم مسبب سقوط همه بشریت گردید". این اولین جمله معترضه است. این واقعیت که بسیار قبل از آنکه شریعت موسی داده شود ، انسانها می‌مردند ، ثابت می‌کند که عامل سقوط انسانها ، خطاهای شخصی ایشان نبود ، بلکه علت ، همان یک گناهی بود که آدم مرتکب شد. بنابراین آدم نماینده اصلی تمام انسانهای روی زمین بشمار می‌رود. او گرفتار گناه شد ، و به همین دلیل تمام نژاد بشر نیز گرفتار گناه شدند. آدم "مظهر" یا نمونه‌ای بود از آن شخص که قرار بود در آینده ظهور کند ، یعنی عیسی مسیح. به همین ترتیب عیسی مسیح نیز نماینده اصلی تمام ایمانداران است. آدم و مسیح دو شخصیت تاریخی در نقشه آشکار شده نجات خدا هستند: بدین ترتیب که آدم ضرورت این نجات را ایجاد کرد ، و مسیح آن نجات را بدست آورد و آن را تضمین کرد.

سوم. "آیات ۱۵-۱۷ توضیح می‌دهند که مقایسه بین سقوط و نجات ، کاملاً یکسان نیست". این دومین جمله معترضه است. و توضیح می‌دهد که مشابهت بین سقوط در گناه از یک سو ، و نجات یافتن از چنگ گناه از سویی دیگر ، کاملاً با همدیگر همانند نیست. دامنه و امتداد کار مسیح بسیار گسترده‌تر از کار ویران‌کننده آدم است.

چهارم. "آیات ۱۸-۱۹ توضیحی است بر کل این مقایسه مبنی بر اینکه: «همانگونه که توسط آدم محکوم هستیم ، به همان ترتیب توسط مسیح عادل می‌گردیم»". همانگونه که خطای آدم به محکومیت همه فرزندان نسل آدم انجامید ، به همان ترتیب ، عدالت مسیح به عادل شمردگی همه کسانی منجر شد که با ایمان ، هدیه عدالت خدا را که از روی فیض بخشیده شده ، دریافت می‌کنند. به عبارتی دیگر ، همانگونه که تمام انسانهای تاریخ بشر که از نسل آدم هستند ، محکوم می‌باشند ، به همان ترتیب همه ایمانداران به عیسی مسیح عادل می‌گردند. همانگونه که ناطاعتی آدم سبب گردید تا خدا تمام انسانها را گناهکار در نظر آورد و مطابق با همین نظر با آنان رفتار کند ، به همان ترتیب ، اطاعت مسیح سبب می‌شود تا خدا تمام ایمانداران به مسیح را بطور کامل عادل محسوب کند و مطابق با همین عدالت با آنان رفتار کند.

(T) یک حقیقت مهم برای من در رومیان ۵: ۲۰-۲۱ می‌باشد. "در اینجا خلاصه‌ای درباره تقابل بین گناه انسان و فیض خدا آمده است".

اول. "شریعت اضافه شد تا گناه افزونی یابد". در زمانی بین ظهور آدم و مسیح ، شریعت داده شد. در اینجا مراد از "شریعت" ، کلیت احکام موسی و تمامیت نظام سازمان‌یافته عهد عتیق می‌باشد. این شریعت در

زمانی بین آدم و مسیح داده شد ، اما نه با این هدف تا وسیله‌ای برای بدست آوردن حیات ابدی باشد ، بلکه تا وسیله‌ای باشد برای درک میزان اهمیت گناه و مرگ (غلاطیان ۳: ۲۴). انسان هر چه دانشش از احکام خدا بیشتر باشد ، به همان نسبت مسؤلیتیش نیز بیشتر خواهد بود (رومیان ۴: ۱۵). احکام هر چه بیشتر در دل و ذهن انسان عمل بکند ، به همان نسبت رویگردانی انسان نسبت به خدا برانگیخته می‌شود و سبب می‌گردد تا او دستورات عادلانه خدا را زیر پا بگذارد (رومیان ۷: ۸ و ۱۱ و ۱۳). بنابراین تنها تأثیر شریعت در زمان بین ظهور آدم و مسیح آن بود تا خطاها و گناهان مردم افزون گردد.

یوم. "افزونی گناه باعث افزونی هر چه بیشتر فیض خدا می‌گردد". نقشه خدا آن بود که از شرّ ، نیکی بوجود بیاورد. طرح خدا آن بود که به تجلی افزونی گناه انسان مجال دهد تا فیض خود او بسیار بیشتر متجلی گردد. انواع مختلف گناهان در جهان فرصتی شد برای تجلی اعجاب‌انگیز فیض خدا. هر چند شریعت همچنان وسیله‌ای بسیار مؤثر برای افزونی شرارت‌های انسانی است ، اما فیض خدا مبدل به طریقی بسیار مؤثرتر برای ایجاد عدالت و حیات است. هر چند تأثیر شرّ در دنیا همچنان بسیار زیاد است و به معنای واقعی کلمه موجب موت می‌باشد ، اما تأثیر خدا از طریق عدالت او بر جهان بسیار عالیتر است و به معنای واقعی کلمه موجب حیات است. تأثیرات سودمند فیض خدا بطرز نامحدود بسیار فراتر از تأثیر شرارت‌بار گناه است. فیض خدا بسیار بیش از شرارت گناه ، در دنیا عمل می‌کند. فیض خدا بسیار بیش از گناه افزونی می‌یابد ، و این الزاماً نه بدلیل افزون بودن تعداد انسانهای نجات‌یافته است ، بلکه به دلیل گستردگی دامنه و امتداد فیضی است که در زندگی انسانها عمل می‌کند. تأثیر نیکوی مسیح بر جهان ، بر تأثیر مخرب آدم بر جهان غالب آمده است.

(S) قدم سوم. سوال کنید

بیباید تمام حقایق موجود در رومیان ۵: ۱۲-۲۱ را درک کنیم و سوالات خود را در باره نکاتی که هنوز درک نکرده‌ایم ، مطرح سازیم. "چه سوالی در مورد هر نکته‌ای از این بخش مایلید از گروه بکنید؟" فکر کنید و سوالات خود را در دفتر یادداشتتان بنویسید. سپس راجع به سوالات گفتگو کنید و سعی کنید پاسخ آنها را بیابید. سوال اول. (۵: ۱۲-۱۹) "آدم به چه طریق «مظهری» است از عیسی مسیح که قرار بود بیاید؟"

(T) پولس رسول می‌آموزد که همه انسانهای عالم هم با آدم و هم با مسیح ، در رابطه خاصی قرار دارند. بخاطر خطای آدم ، تمام انسانهای عالم در برابر خدا محکوم هستند. بخاطر عمل پر از عدالت مسیح ، یعنی مرگ و قیام او از میان مردگان ، تمام ایمانداران به عیسی مسیح عادل می‌گردند. تفسیرهای متفاوتی که از رومیان ۵: ۱۲ انجام شده بیشتر به دلیل آن است که دیدگاه‌های مختلفی در رابطه با اعمال اجداد انسانها و پیامدهای آن اعمال برای اعقاب آنها وجود دارند.

یک. "در عصر حاضر ، گرایش بر این است که بر فردگرایی تأکید شود". در عصر فردگرایی حاضر ، مردم این عقیده را نمی‌پذیرند که رابطه‌ای بین گناهان اجدادشان و پیامدهای آن گناهان برای اعقاب آنها وجود داشته باشد. آنها معتقدند که هر فرد "به تنهایی" مسؤول اعمال شرارت‌آمیز خویش است و در نتیجه "تنها" برای گناهان شخصی خود مجازات خواهد شد.

بنابراین ، آنها رومیان ۵: ۱۲ را اینچنین تفسیر می‌کنند: اولین انسانی که مرتکب گناه شخصی گردید ، آدم بود و بنابراین اولین انسانی که مستحق مرگ بود ، آدم بود. گناه و مرگ برای اولین بار از طریق آدم وارد تاریخ بشریت شد. همه اعقاب آدم "تنها از نمونه نادرست او پیروی کردند". آنها نیز مرتکب گناهان شخصی شدند و در نتیجه مردند. از طریق متابعت از نمونه نادرست آدم بود که مرگ نصیب هر فرد گردید ، زیرا هر فرد شخصاً مرتکب گناه شد.

یو. "کتاب مقدس ، هم در خصوص همبستگی ما با یکدیگر تعلیم می‌دهد و هم در خصوص مسؤولیت شخصی هر یک از ما نسبت به اعمال خویش". بطور یقین مابین گناهان اجداد ما و نتایج آن گناهان برای ما که اعقاب ایشان هستیم ، ارتباطی وجود دارد. کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که هر فرد برای اعمال شرارت‌بار شخصی خود و پیامدهای آن مسؤول است. او نه فقط برای شخص خویش مسؤول است بلکه برای اعقاب خود نیز دارای مسؤولیت می‌باشد. کتاب مقدس نمونه‌ها متعددی را ارائه می‌دهد:

نمونه "حزقیال فصل ۱۸". خدا بر مسؤولیت شخصی هر فرد بر گناهان خود تأکید می‌ورزد. آن عده از اسرائیلیانی که در تبعید بابل بسر می‌بردند ، گناهان اجداد خود را مسبب وضعیت مصیبت‌بار خود در تبعید می‌دانستند. آنها می‌گفتند: "غوره را پدران خوردند و دندان پسرانشان گند شد". هر چند این مطلب درست بود که تبعید به بابل ، مجازات خدا برای گناهانی بود که پدرانشان در اسرائیل مرتکب شده بودند (ارمیا ۱۶: ۱۰-۱۳) ، اما حزقیال نبی بر گناهان شخصی و مسؤولیت شخصی پیامدهای آن تأکید می‌ورزد. هر گناهکار بطور قطع نه فقط بخاطر گناهان پدران یا اجداد خود ، بلکه بخاطر گناهان خود خواهد مرد.

نمونه "خروج فصل ۲۰". خدا بر همبستگی انسان با انسانهای دیگر نژاد بشری تأکید می‌کند. ده فرمان از یک سو ما را نسبت به این مسأله تشویق می‌کند که اطاعت شخصی از دستورات خدا بطور قطع دارای نتایج مثبت برای اعقاب ما بدنبال خواهد داشت. در خروج ۲۰: ۶ خدا می‌فرماید: "بر کسانی که مرا دوست داشته باشند دستورات مرا پیروی کنند ، «تا هزار پشت» رحمت می‌کنم". اما از سویی دیگر ده فرمان به ما هشدار می‌دهد که ناطاعتی شخصی از دستورات خدا ، بطور قطع به پیامدهای جدی برای اعقاب ما خواهد انجامید. در خروج ۲۰: ۵ خدا هشدار می‌دهد: "کسانی را که با من دشمنی کنند ، مجازات می‌کنم. این مجازات شامل حال فرزندان آنها

«تا نسل سوم و چهارم» نیز می‌گردد. ما هر روزه شاهد آثار گناه والدین در زمینه استفاده از مشروبات الکلی، مواد مخدر، سکس، جنایت، نژادپرستی، نفرت و تعصب مذهبی بر فرزندان آنها هستیم.

بنابراین بین ما و فرزندان ما و فرزندان فرزندانمان، همبستگی وجود دارد. همچنین بین ما و همسایگانمان نیز همبستگی وجود دارد. کتاب مقدس نه فقط بر درمورد مسئولیت شخصی هر فرد تعلیم می‌دهد، بلکه درمورد همبستگی هر فرد با خانواده، با گروه مذهبی که وابسته به آن است، با جامعه خویش، با تمام قوم خویش و حتی با تمام جهان، تعلیم می‌دهد. آنچه که برای دیگران اتفاق بیفتد بطور قطع بر آنچه که بر سر هر فرد خواهد آمد تأثیر خواهد گذاشت. آنچه که بر سر هر فرد بیاید، بر هر آنچه که برای دیگران اتفاق بیفتد تأثیر خواهد داشت.

نمونه "رومیان ۵: ۱۲-۱۹". پولس رسول نیز بر همبستگی و اتحاد تمام انسانهای متعلق به نژاد بشری با جدّ خود، یعنی آدم، و همینطور همبستگی و اتحاد همه مسیحیان با منجی خود، یعنی عیسی مسیح تأکید می‌ورزد. او تعلیم می‌دهد که آنچه که برای آدم اتفاق افتاد بر تمام انسانهای متعلق به نژاد بشری تأثیر نهاده است. او همچنین تعلیم می‌دهد آنچه که برای مسیح اتفاق افتاد بر تمامی آن انسانهایی که متعلق به عیسی مسیح هستند تأثیر گذاشته است. به همین دلیل است که پولس آدم را "مظهر" آن شخص که قرار بود در آینده بیاید، یعنی عیسی مسیح، می‌نامد. گناه شخصی آدم و پیامد مرگ آن، بر فرد فرد بشریت تأثیر بر جا نهاد. به همین ترتیب، عمل نجاتبخش عیسی مسیح بر فرد فرد ایمانداران به عیسی مسیح تأثیر می‌گذارد.

سه. "همه انسانها در اتحاد و همبستگی خود با آدم مرتکب گناه شدند، و همه ایمانداران به مسیح در اتحاد و همبستگی با او عادل خوانده شده‌اند". در رومیان ۵: ۱۲-۱۹ پولس گناه و مرگ آدم را در تقابل با گناه و مرگ اجداد خویش قرار نمی‌دهد. بلکه او گناه و مرگ را که توسط آدم به همه انسانها عالم رسیده بود، در تقابل با عدالت و حیاتی که عیسی مسیح برای همه مسیحیان عالم به ارمغان آورد، قرار می‌دهد. در آیه ۱۹ پولس می‌فرماید که ناطاعتی یک نفر، یعنی آدم، گناهکار شدن بسیاری را "باعث شد"، و اطاعت یک نفر، یعنی مسیح، باعث عادل گردیدن بسیاری خواهد شد. در اینجا "باعث شدن" به معنای "تعیین شدن از لحاظ قانونی" است. همان یک عمل نامطیعانه آدم "باعث گردید"، یا "از لحاظ قانونی تعیین کرد" تا هر فرد متعلق به بشریت، گناهکار شود. منظور از "گناهکار"، شخصی است که از رابطه صحیح با خدای کتابمقدس، با دیگران و با خود، محروم می‌شود. او از رابطه شخصی با خدای کتابمقدس و خصوصیت‌های مقدس خدا و اهداف خدا در زندگی خویش محروم می‌شود. در برابر دیدگان خدای قدوس و عادل، هیچیک از اعضای نژاد بشری، دیگر عادل و درستکار محسوب نمی‌شوند. خدا بخاطر آن کاری که آدم انجام داد، تکتک اعضای نژاد بشری را در وضعیت عادی، بصورت یک گناهکار در نظر می‌آورد و مطابق با همین نظر با آنها رفتار می‌کند.

اما اتحاد بشریت با آدم در تقابل با اتحاد همه مسیحیان با عیسی مسیح قرار می‌گیرد. همان یک عمل مطیعانه مسیح، "باعث عادل شدن ایماندار خواهد شد" یا "از لحاظ قانونی" هر ایماندار به عیسی مسیح را بعنوان انسان عادل "تعیین خواهد کرد". انسان عادل که جایگاه درست خود را نسبت به خدای کتابمقدس یافته است، اینک گناهانش کاملاً آمرزیده شده و به آسمان خواهد رفت. در نظر خدا، تکتک ایمانداران به مسیح عادل هستند. خدا بواسطه کاری که عیسی مسیح انجام داد، فرد فرد اعضای بدن مسیح را عادل می‌شمرد و مطابق با همین دیده با آنان رفتار می‌کند.

آدم نماینده اصلی تمام انسانهای نجات‌نیافته است. آنچه که بر سر آدم آمد، تأثیر عمیقی بر تمامی بشریت برجای گذاشت. همه انسانهای نجات‌نیافته در نتیجه اتحاد با آدم، "محکوم هستند تا در اتحاد با آدم بمیرند".

عیسی مسیح نماینده اصلی تمام مسیحیان است. آنچه که برای مسیح در مرگ و قیامش اتفاق افتاد تأثیری ژرف بر همه ایمانداران به مسیح باقی می‌گذارد. همه ایمانداران به مسیح که در نتیجه اتحاد با مسیح مردند و در اتحاد با مسیح برخاستند، اینک "در اتحاد با مسیح، عادل خوانده شده‌اند".

البته همه انسانها "در واقع یا در عمل بواسطه آدم گناه نکردند"، و ایمانداران به مسیح "در واقع یا در عمل با مسیح نمرندند". اما همان یک گناه آدم بطور قانونی و بصورت مؤثر مرگ همه ایمانداران را تعیین کرد؛ و همینطور قیام مسیح از میان مردگان، بطور قانونی و بصورت مؤثر قیام همه مسیحیان را تعیین کرد.

چهار. "اتحاد به معنای دریافت مقامی قانونی، و طبیعتی خاص، و پیروی از یک نمونه است". چگونه باید به "اتحاد" بنگریم؟ اتحاد انسان با آدم چیزی بیش از متابعت از "نمونه گناه‌آلود" او است، زیرا داود در مزمور ۵: ۵۱ می‌فرماید که او همراه با طبیعتی گناه‌آلود به دنیا آمد. اتحاد با آدم بدان معنا است که "ذات گناه‌آلود" آدم به همه نسلهای بعد از او در نژاد بشری منتقل گردید. و اتحاد با آدم بدان معنا است که مقام و جایگاه گناه‌آلود قانونی او به همه نسلهای بعد از او در نژاد بشری منتقل شد (۵: ۱۲-۱۹). به همین ترتیب، اتحاد با مسیح بدان معنا است که مقام و جایگاه عدالت قانونی مسیح و ذات درستکار و مقدس او به همه کسانی که به او ایمان می‌آورند منتقل می‌گردد، و ایمانداران از نمونه درستکار و مقدس او متابعت می‌کنند.

سؤال دوم. (۵: ۱۵-۱۷) "چگونه عمل مسیح بزرگتر از عمل آدم است؟"

(S) "سقوط در گناه و نجات از گناه" کاملاً همانند هم نیستند.

یک. "گسترده‌گی عمل پر از فیض مسیح بسیار وسیعتر از عمل مخرب آدم است." مسیحیان نه فقط از پیامدهای "همان یک خطای" آدم نجات می‌یابند، بلکه از پیامدهای "خطاهای بی‌شمار شخصی خود" نیز رستگار می‌شوند، یعنی چیزهایی از قبیل تقصیر، محکومیت، ناکامی، بیماری، مرگ و کیفر ابدی. "داوری

عادلانہ" خدا تنها "همان یک گناه" آدم را به حساب آورد و همین کافی بود تا تمام نژاد بشری بعنوان افراد غیر عادل محکوم شوند. اما "عادل شمردگی پر از فیض" خدا، "گناهان بی شمار بسیاری را" در بر می گیرد، یعنی گناهان تمام آن کسانی را که به عیسی مسیح ایمان می آورند. و در نتیجه همه ایمانداران به عیسی مسیح عادل خوانده می شوند. بنابراین هدف و نتیجه نهایی عمل پرفیض خدا بسیار بزرگتر از هدف و نتیجه نهایی عمل مخرب آدم می باشد.

دو. "عمل پرفیض مسیح در امتداد و جهت خود بسیار مثبت تر از عمل مخرب آدم است". خطای آدم باعث شد تا همه چیز در جهت نادرست قرار بگیرد: یعنی به محکومیتی که مستحق بود و همینطور به مرگ. اما عدالت مسیح باعث می شود تا همه چیز در جهت درست و مثبت قرار بگیرد: یعنی به عادل شمردگی پر از فیض و به حیات منجر شود. این اثبات میکند که خدا از عطا کردن فیض بسیار بیشتر خشنود می گردد تا از اجرای عدالت. پولس مشخص میکند که داوری بطور مسلم به انجام میرسد. بسیاری مردند. اما او همچنین به عملکرد فیض بی پایان خدا اشاره میکند که نه تنها عملکرد محکومیت و داوری را خنثی میکند بلکه بر خلاف آن، منجر به عادل شمردگی و حیات می گردد. عده بسیاری عادل می گردند. گناه از طریق محکوم کردن انسانها به مرگ، حکومت می کرد، اما فیض از طریق عدالتی که منجر به حیات می گردد، حکومت می کند (۲۱). داوری خدا دارای نتایج بسیار بزرگی است، اما دست آوردهای فیض بسیار بیشتر است. ما نه تنها از چنگ مرگ و زندگی فاقد معنا "نجات می یابیم"، بلکه "نجات می یابیم" تا حیات جاودان را بدست آوریم، حیاتی که شامل زندگی و وظیفه ابدی پر معنا است.

سوال سوم. (۵: ۱۸) "آیا کتاب مقدس تعلیم می دهد که همه انسانهای جهان نجات خواهند یافت؟"

(T) اگر آیه ۱۸ را خارج از چارچوب آن مطالعه کنیم، چنین بنظر خواهد رسید که این آیه تعلیم می دهد همچنانکه تمام انسانهایی که تاکنون در عالم زیسته اند بخاطر همان یک گناه آدم شرعاً محکوم می باشند، به همان ترتیب نیز تمام انسانهایی که تاکنون در عالم زیسته اند بخاطر همان یک عمل درستکارانه مسیح شرعاً عادل خواهند گردید. اما در کتاب مقدس هر بار که به تمام انسانها اشاره می شود منظور "تکتک افرادی که بی استثنا بر زمین زیسته اند" نمی باشد.

یک. "فراگیر بودن اصطلاح همگانی" همه" باید در رابطه با شرط لازم دریافت برکت، محدود تلقی شود". رومیان ۵: ۱۷ می فرماید شرط لازم برای عادل شمردگی "دریافت فیض و هدیه عدالت خدا" است. به همین سان، بقیه قسمتهای کتاب مقدس تعلیم می دهند تنها آن عدهای که "به عیسی مسیح ایمان بیاورند" نجات خواهند یافت. بنابراین، کتاب مقدس تعلیم نمی دهد که نجات امری همگانی و جهان شمول می باشد. شرط نجات، ایمان آوردن به عیسی مسیح است.

دو. "اصطلاح فراگیر «همه» باید بنابر ماهیت موضوع و چارچوب آن محدود شود". برای مثال، در مرقس ۱: ۳۷ و ۵: ۲۰ و ۱۱: ۳۲ هر جا "همه" بکار رفته است، باید آن را در محدوده افرادی که در چارچوب متن آمده در نظر گرفت. به همین سان، در رومیان ۵: ۱۸ هنگامی که گفته می شود "همه انسانها محکوم هستند" باید آن را محدود به انسانهایی کنیم که بر اثر توارث طبیعی از نسل آدم هستند، زیرا در این میان، مسیح یک استثنا است. و به همان ترتیب "همه انسانهایی که عادل می گردند" باید محدود به آن عدهای شود که بوسیله ایمان به مسیح مرتبط شده اند. منظور پولس در اینجا بر اساس میزان کمی نیست، بلکه او به چگونگی عملکرد خدا می اندیشد. خدا تمام انسانهایی را که مرتبط با آدم باشند محکوم می کند، اما تمام انسانهایی را که مرتبط با مسیح باشند عادل می گرداند.

سه. اصطلاح فراگیر "همه" بکار رفته است، تا با نگرش کلی گناه آلود یهودیان که خود را مستثنا و برتر از غیر یهودیان می دانستند، مقابله کند. پولس تأکید می کند که تفاوتی مابین یهود و غیر یهود نیست: "همه نجات یافتگان"، صرف نظر از یهودی یا غیر یهودی بودن، به یک طریق مشترک نجات می یابند (رومیان ۱۰: ۱۲). هر که به عیسی مسیح ایمان داشته باشد، حیات جاودان را دارد، اما هر که به عیسی مسیح ایمان نیاورد، از هم اکنون محکوم است.

(S) قدمهای چهارم و پنجم. کاربرد و دعا

پس از تبادل نظر با یکدیگر و تهیه فهرستی از "کاربردهای امکان پذیر"، به این فکر کنید که خدا می خواهد کدامیک از کاربردهای امکان پذیر را به "کاربردهای شخصی" برای خودتان تبدیل کنید. سپس بیابید به نوبت، در مورد یک حقیقت که خدا از رومیان ۵: ۱۲-۲۱ به ما آموخته، دعا کنیم.

(T) تکلیف برای هفته آینده

اول. در یک مشارکت خانگی که در آن بررسی کتاب مقدس انجام می شود شرکت کنید. از روش "پنج قدم" بررسی کتاب مقدس استفاده کرده و خود را برای بررسی رومیان فصل ۶ آیات ۱ تا ۱۱، آماده کنید.
دوم. کتابهای دستور عمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار می کنم
سوم. هر شب تا چهارشنبه به برنامه "دوره شاگردسازی از رادیو" گوش دهید.